

در صفحات بعد میخوانید:

■ ناراضی ترائی، خطری است برای انقلاب
صفحه ۳- ستون اول

■ هشدار امام واقعیتی است بر اساس اطلاعات دقیق بدست آمده
صفحه ۲- ستون سوم

■ دیپلماسی مخفی، مغایر باخواست مردم و مصالح انقلاب است
صفحه ۶- ستون اول

■ مبارزه باگرانی، کاری است حیاتی...
صفحه ۶- ستون اول

■ تلاشی برای برهم زدن وحدت سندیکائی توطئه ای است ضد کارگری
صفحه ۳- ستون دوم

■ از اوج لاله ها شعری از برزین آذر مهر
صفحه ۶- ستون آخر

مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول شماره ۲۹
چهارشنبه ۳۰ خرداد ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

اصل، داشتن يك قانون اساسی مترقی است نه شكل تصویب آن

چه چیز بهتر است: يك مجلس موسسان با شرکت عده محدودی از نمایندگان انتخابی که در مدت کوتاهی پیشنهادها و اصلاحاتی که ضمن نظر خواهی بیان میگردد، بررسی کنند و سپس با مراجعه براء عمومی قانون اساسی را به تصویب نهائی برسانند، یا يك بحث متصل و طولانی و چه بسا بی سرانجام در مجلس موسسانی که چند برابر عضو داشته و بی تردید مدت کارش از یکسال و شاید دو سال هم در خواهد گذشت؟

چه چیز بهتر است: تسریع در امر تدوین و تصویب يك قانون اساسی خلقي و متكي بر اراده مردم یا كشن دادن مسئله و انقلاب را فاقد نهادهای قانونی و مستحکم و دائمی گذاشتن و امکان عمل جدي و استوار را از آن سلب کردن؟

بنظر ما، پاسخ قاطعانه اینست که: شق نخست بهتر است. بنظر ما، در حال حاضر مهم و عمده اینست که ایران پس از انقلاب، دارای يك قانون اساسی مترقی باشد، که هرچه بیشتر و کاملتر نظریات و آرزوها و خواستهای خلق انقلابی ما را بیان نماید و بازتاب همه آن امیال و امیدهای باشد که سال ۵۷ برای تاریخ ما بارمغان آورد. بنظر ما، اصل و عمده آنست که در خاتمه، در نهایت امر، ما چه قانون اساسی خواهیم داشت مترقی یا ارتجاعی، دربر گیرنده اساسی ترین خواستهای مردم زحمتکش و نیازهای امر استقلال و آزادی، یا باز گذارنده راه رسوخ امپریالیسم و سرمایه خارجی و وابسته و ناقص استقلال و آزادی.

مسئله اصلی این است، نه شکل مجلس موسسان و عده نمایندگان و مدت کار آن. چه بسا از مجلس ۷۵ نفری، قانون اساسی خوبی، حتی کاملتر و جامعتر از همین پیش نویس که در خطوط عمده خود نیز سندی مترقی و گامی مثبت و امید بخش است، درآید و با رفراندوم، تا سه ماه دیگر، ما دارای قانون اساسی تصویب شده و شالوده های محکم جمهوری بشویم و کار انتخابات مجلس شورا و تشکیل دولت دائمی را بسرانجام مطلوب برسانیم و نهادهای لازم را برای استوار کردن بنیان جمهوری اسلامی ایران و پیشرفت آن بسوی مدارج کمال، بنا بخواست خلق زحمتکش، بنا بر اراده خلق قهرمان، بوجود آوریم. و چه بسا که از بقیه در صفحه ۴

اهمیت تاریخی دستاوردهای انقلاب ایران

در ارزیابی انقلاب بزرگ مردم نهرمان ایران دو برخورد نادرست به چشم می خورد: عده ای با غرق شدن در مسائلی جزئی و فرعی، کوچک کردن اهمیت های بزرگ و بزرگ کردن اهمیت های کوچک، خوش باوری ساده لوحانه و گاه زبر- کانه نسبت به اکاذیب و شایعات و بی اعتمادی عنودانه نسبت به حقایق و واقعیات - خلاصه با نادیده گرفتن جوانب مثبت و تاکید بر جوانب منفی اقدامات و تدابیری که پس از انقلاب انجام گرفته، میکوشند دستاوردهای انقلاب را پانفی کنند و یا ناچیز جلوه دهند. بقیه در صفحه ۴



امضای پیمان سالت ۲ گامی بزرگ در راه استقرار صلح

لئونید ایلچ برزف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جیمی کارتر رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا، روز دو شنبه (در ساعت ۱۵ به وقت تهران) پس از نود دقیقه گفت و گو، که فقط دو نفر مترجم در آن مشارکت داشتند دومین پیمان محدودیت سلاحهای استراتژیک (سالت ۲) را که گفت و گوی دو کشور در باره آن شش سال بطول انجامید، امضاء کردند.

صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در سخنرانی خود اعلام کرد، «امضای پیمان سالت ۲ گامی مهم در جهت بهبود روابط شوروی و امریکای فدرالی است.» لئونید برزف همچنین گفت، «امضای این پیمان رویدادی است که مردم اتحاد شوروی و امریکا از سالها پیش انتظار آن را داشتند.»

سپس وی متذکر شد که «امضای پیمان سالت ۲ راه را برای اعمال نظارت بیشتر بر تسلیحات اتمی دو کشور هموار می سازد.»

رئیس جمهور امریکا در سخنرانی خود خطاب به صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی گفت، «ما کودکانی داریم که می خواهیم زندگی کنند و زندگی صلح آمیزی داشته باشند. ما هر دو مجدداً کوشیدیم تا به کودکان خود و ملت های خود این امنیت را بخشیم.»

کارتز همچنین اعلام کرد، «امضای پیمان سالت ۲ يك پیروزی برای سراسر جهان در راه پیکار برای صلح بشمار می رود.»

خبرگزاری تاس در تفسیری که به امضای پیمان سالت ۲ اختصاص داد نوشت، «تکمیل موفقیت آمیز پیمان بفرنج سالت ۲ راهگشای گفت و گو درباره سالت ۳ و تحدید تسلیحات دو کشور خواهد بود.»

خبرگزاری شوروی سپس تسریع کرد که پیمان سالت ۲، حدود لازم را برای پیشرفت سریعتر سایر اقدامات مربوط به تحدید بقیه در صفحه ۴

داریوش فروهر در جلسه اعلام جدائی از جبهه ملی گفت:

کوشش برای اتحاد بزرگ آغاز شده است!

■ ایران دستخوش توطئه های گوناگون امپریالیستها است

آقای داریوش فروهر، وزیر کار و امور اجتماعی و دبیر حزب ملت ایران، که سمت سخنگوی جبهه ملی را نیز به عهده داشت، با اعلام اینکه حرکت های جبهه ملی ایران در رابطه با دوران سازندگی انقلاب فرصت طلبانه است، از جبهه ملی کناره گیری کرد.

وی همچنین اعلام داشت که از لحاظ سازمانی در این جبهه تلاش های خرابکارانه ای بکار میرود که جبهه ملی را ساخته برخورد شخصیت ها و باندهای گوناگون بر سر کسب قدرت کرده است. آقای فروهر در مصاحبه ای که بهمین منظور ترتیب یافته بود، گفت، «زمان تصمیم گیری قاطع فرا رسیده است و بهمین دلیل من و حزب ملت ایران از امروز همکاری خود را با سازمانی که عنوان جبهه ملی دارد، ولی کارهای سیاسی و شکل سازمانی آن در خورد این نام افتخار آمیز نیست، قطع میکنم. فروهر همچنین تاکید کرد که، «پدید آوردن يك اتحاد بزرگ برای استمرار انقلاب اسلامی ضرورتی است تاریخی و

بقیه در صفحه ۴

استفاده از جلاد ساواک

برای تبلیغات علیه حزب توده ایران

تهرانی، جلاد خونخوار ساواک، که سالیان دراز نامش با زجر و شکنجه، با خون و اعدام آمیخته بود، سرانجام دردناک انقلاب حاضر شد، تا هم به خلق پاسخ دهد که چگونه در کشتارگاه کمیته، رزمندگان انقلابی را به «آپولو» می بست، تنهای شریفشان رامیسوزاند، ناخنهایشان را میکشد و سرانجام آنها را به جوخه اعدام می سپرد، و هم پاسخ خلق را بشنود. این پاسخ، بیگمان مرمک است.

تسلیم جلادان ساواک نشدند، لودهنده تشکیلات سیاهکل معرفی کند. جلاد ساواک، که چندی پیش در نامه ای به مقامات مسئول به گمان خودش مارکسیست هارادشمن انقلاب اسلامی معرفی کرده و خواستار شده بود که، از «تخصص» او برای مبارزه با مارکسیست ها استفاده شود، دردم مرمک هم دست از فعالیت های خائنه خود بر نمیدارد و میکوشد مبارزات مارکسیست ها را بی اهمیت نشان داده، آنها را آلت دست ساواک معرفی کند. جلاد ساواک بشیرمانه از ما ثبوت های خائنی که بلافاصله تسلیم شدند، سخن نمیکويد، اما از صدها مبارز قهرمان کمونیست، از مبارزان توده ای، فدائی و مجاهد، که زیر شکنجه شهید شدند و لب از لب باز نکردند، حرفی به میان نمی آورد.

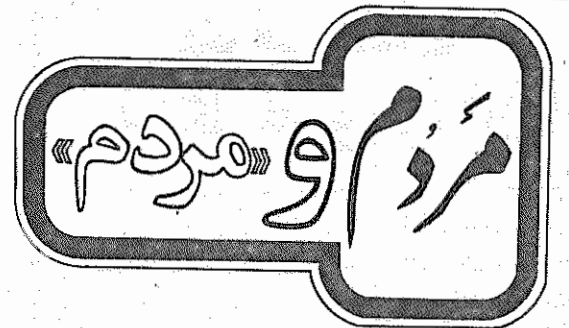
از جلاد ساواک، از درنده خوئی که هریاخته تنش مهر شهادت و شکنجه قهرمانی را بر خود دارد، بیش از این انتظار نهرود. در واقع چنین سخنان رذیلانه ای از زبان او طبیعی است. اما آنچه نه تنها طبیعی نیست، بسیار هم گفتم انگیز است، استفاده از سخنان جلاد ساواک برای تبلیغات ضد توده ای است. آنها که دانسته و ندانسته، همه حرف های تبلیغاتی علیه حزب توده ایران را آزموده اند، با اعتراضات تهرانی بقیه در صفحه ۴

رزمندگان گانی که در سالهای گذشته، گذارشان به کشتارگاه های شاه خائن، بویژه «اوین» و «کمیته» می افتاد، میدانستند که ساواک دو کارشناس کارگشته داد، تهرانی و منوچهری. منوچهری متخصص قتل و شکنجه مبارزان مذهبی بود و آنقدر در این زمینه استادی داشت که به تنهایی آرشو همه گروه های مبارز مسلمان بود. او عین وضع تهرانی را در مورد کمونیست ها داشت. آن یکی استاد شکنجه و اعدام مسلمانان بود و این یکی متخصص زجر و قتل مبارزان کمونیست، هر چند این دو استاد شکنجه، از کمک یکدیگر هم دریغ نداشتند. دردناک «کمیته»، تهرانی، منوچهری، رسولی و عنیدی، سر جلادان ساواک، سالیان دراز این تخصص را بکار بستند و اکنون که انقلاب خونین توده ها، یکی از آنها، یعنی تهرانی را به دادگاه انقلاب آورده، استفاده از تخصص ادامه دارد، البته به شکل دیگری.

تهرانی که دردناک رذیلانه مدعی است، کار خود را تمام شده میداند و باین جهت دفاعی ندارد و میکوشد حقایق گذشته را روشن کند، همه نیروهای چپ، از ما ثبوت های خائنی گرفته تا توده ای ها و فدائیان قهرمان را در کنار هم، بنام کمونیست، دسته بندی میکند و رندانه میکوشد، هم حساب خیانت های ما ثبوت ها را به پای همه کمونیست ها بنویسد، هم فدائیان قهرمانی را که

قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

هشدار امام خمینی واقعیتی است بر اساس اطلاعات دقیق بدست آمده



در حالیکه خبرهای نگران کننده از فعالیت عمل رژیم شاه مخلوع و تمرکز آنها در اسرائیل میرسد، در تهران و برخی شهرها حمله مسلحانه به پاسداران انقلاب افزایش یافته است. بسیاری از این حملات و هجومها سازمان یافته است و هدف ترور پاسدارانی است که از قبل شناسائی شده‌اند. گفته میشود که برخی از این پاسداران بدلیل پیگیری‌شان در دستگیری و شناسائی عمل رژیم سابق و ایمانشان به انقلاب ایران هدف توطئه قرار گرفته و به شهادت رسیده‌اند.

همزمان با این عملیات در درون ایران، دانشجویان مسلمان امریکا فاش کرده‌اند که ۹ هزار ساواکی با هواپیماهای نظامی امریکا وارد قاهره شده‌اند تا با همکاری سازمان جاسوسی مصر و موساد اسرائیل علیه انقلاب ایران توطئه کنند. روزنامه «مردم» در سه شماره قبل، برای نخستین بار پرده از این توطئه برداشت و اعلام کرد که پرویز ثابتی عملیات مربوط به تعلیم این مزدوران را برای ایجاد زمینه جنگ داخلی در ایران پهنه دارد و مقر او اسرائیل است. روزنامه السفیر از قول همین دانشجویان فاش کرد که شاه مخلوع و شاپور بختیار و انورسادات در کار رهبری عملیات سرکوبی انقلاب ایران و بازگشت به گذشته دست دارند و ساواکی‌ها هم اکنون در خلیج فارس سرگرم دیدن آموزشهای ویژه هستند و مقر آنها جزیره

مصیره است. در این زمینه سازمان جاسوسی سیا و سازمان جاسوسی موساد اسرائیل طرحی برای از میان بردن شخصیت‌های برجسته انقلاب ایران دارند. این روزنامه متذکر میشود که سازمانهای جاسوسی انگلیس نیز در این مورد همکاری نزدیک با ساواکی‌ها و گردانندگان عملیات ضد انقلابی دارند.

امام خمینی در هشدار اخیر خود، که بمناسبت اظهارات پاره‌ای محافل درباره مجلس موسسان ایراد داشت، بدرستی و با آگاهی بهین فعل و انفعالات ضد انقلابی اعلام داشت که نباید گذاشت ریشه‌های گندیده، که در خارج از کشور فعالیت میکنند با این ریشه‌های پوسیده داخل کشور بهم پیوند بخورند و علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه کنند. هرگونه تاخیر در تصویب قانون اساسی ایران عملاً آب به آسیاب همین ضد انقلابیون میریزد.

روز جمعه همه ما در محیطی پر هیجان، خاطره‌یروز حکمت‌جو را گرامی داشتیم و در روزهای قبل و بعد از آن، پست، نامه‌هایی را در همین مضمون آورد. گروهی که نامه خود را «هواداران حزب توده ایران در سمنان» امضا کرده‌اند، از جمله مینویسند:

«رژیم ضد بشری محمدرضا پهلوی بار دیگر دستش را بخون یک انسان طراز نوین دیگر، یک انترناسیونالیست، یک توده‌ای، یک پرویز حکمت‌جو آغشته کرد... مبارزه و اصولیت و اخلاق انقلابی رزمندگان حزب توده ایران، یکی از بهترین سرمشق‌های نسل جوان است. بدون شک حزبی که میتواند فرزندان این چنین روزیه‌ها، بشری‌ها، سیامک‌ها و حکمت‌جوها بیرواند، از یک منبع سرشار از بشردوستی و مین‌پرستی برخوردار است، ... ما افتخار میکنیم که حتی در آن هنگام که افقهای درخشان پیشی صحیح و پیگیرانه حزب طبقه کارگر مینمان، در میان انبوهی از حوادث روزمره مینم مینموده، قاطعانه وبا ایمانی راسخ در راه پرافتخارش، راه حکمت‌جوها، گام گذاشتیم، ما تردید نداریم که آن نیروئی که این قهرمانان خلق را در شکنجه‌گاههای شاه خونخوار توان میبخشید، اینک راه گشای همه نیروهای صادقی است که... در یک جبهه، با تکیه بر خلق و دست دردمست هم، روبرو دشمن جبار، امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امریکاء، کرده و مین خود را مستقل و آزاد و آباد خواهند ساخت.

نامهایکه پامضای عده‌ای از کارکنان پیشروی صنعت نفت جنوب، نوشته شده، چنین آغاز میشود: «حکمت‌جو ستاره‌ای بود در آسمان پرستاره حزب توده ایران و مبارزی بود که همراه تمامی شهدای خلق راه گشای قیام مردم و اضمحلال رژیم مزدور پهلوی شد. و این ارمغان خلق است که با قیام خود، تجلیل از حکمت‌جو هارا امکان پذیر ساخت. در نامه، اتحاد تمامی نیرو-های مترقی آرزو شده است.

در همین باره قطعه شعر کوتاهی دریافت کرده‌ایم از زبان حکمت‌جو، خطاب بفرزندانش یهزاد و یکتا:

یهزاد دلاورم / یکتای شیرینم / لذتی است بزرگ بوسه پدر بر چهره فرزند / و من محروم از این لذت. / بگذار خودم را بدست توانای خوال سپارم / تا آنطور که خاطر خواه اوست / لبان تیزه از اشتیاقم را / بر چهره‌هایتان گذارد.

دوست کوچک ما اصلائی، دانش آموز کلاس چهارم، مینویسد: «سلام دوستان عزیز، امیدوارم در کارتان موفق باشید. حزب توده ایران، همیشه پیروز است، چون در راه خلق خود مبارزه میکند...»

در یک مکالمه تلفنی، دوستی گفت: «راجع به جواب به سنجایی، خیلی ممنون؛ دستتان درد نکند. و دوست دیگری یاد آوری کرد که اشتباهات جدی چایی هنوز فراوان است، منجمله در شماره پیش، در صفحه سوم ستون دوم، مقاله «اربابان امیر-پالیست شاه مخلوع» بجای «ایمام نگرفته است»، نوشته شده «ایمام گرفته است»، که بکلی متنازاً حذف و تعریف میکند و تصحیح آن لازمت. حق با اوست، تشکریم.

دوست دیگری بانام محمود، در نامه خود مینویسد: «در شماره ۲۲ روزنامه «مردم» به آقای دکتر سنجایی پاسخ مناسب داده شده بود که بیشتر بزندگی سیاسی ایشان مربوط بود. و کاملاً هم مورد تأیید. دوست ما

خدمات بهداشتی و درمانی باید زیر نظارت دولت قرار گیرد

در چند روز گذشته سمنان برای بررسی مسائل مربوط به طب، در شهر از تشکیل شد. در این سمنان سخنرانان مشکلات و مسائل مختلف را در رابطه با طب در ایران بیان داشتند که امید است از مرحله حرف فراتی رود و پاره‌ای از طرحها و پیشنهادهایی که می‌تواند در خدمت زحمتکشان باشد، به مرحله عمل درآید. همین مسائل و طرحها میتواند بطور منطقی و در جهت منافع توده‌های مردم در پیش نویس قانون اساسی ایران نیز گنجانده شود. برای همیشه جهت عمده حل این مشکل مشخص گردد. در این سمنان در

بر اساس اخباری که در روزنامه‌ها منتشر شده و منبع آن یک مقام صنعتی است، در پی دخالت دولت در مدیریت چند واحد بزرگ صنعتی، در محافل اقتصادی گفته میشود که دولت مطالبات و بررسی‌های گسترده‌ای را در زمینه امکان به مالکیت در آوردن صنایع بزرگ بدهکار به بانکهای ملی شده، به ویژه صنایع اتومبیل سازی و فولادسازی، را شروع کرده است. همین مقام درباره سایر کارخانه‌های اتومبیل سازی گفته است که تاکنون دولت دخالتی در مدیریت کارخانه‌های شورلت ایران و ژیان نکرده، ولی این واحدها نیز به علت کمبود لوازم و قطعات منفرجه اتومبیل با اشکال روبرو هستند و نمی‌توانند در حد تأمین نیازهای کشور فعالیت خود را ادامه دهند. از سوی

طرح مساله مالکیت دولت بوسنای بزرگ بدهکار به بانک‌های ملی شده

قطننامه آن بددرستی گفته شده است که خدمات بهداشتی و درمانی باید در تمام مملکت تحت یک نظام واحد، وزیر نظارت دولت اداره شود و طب خصوصی بهیچ عنوان صورتی نباید وجود داشته باشد، اعم از مطب، بیمارستان و آزمایشگاه. در این زمینه از رادیو و تلویزیون یاری خواسته شده است تا دست به افشای بزند و اذهان عمومی را روشن سازد. ما نیز تأکید میکنیم که سیستم متکی به سرمایه و سود در کار درمان و آموزش و پرورش مردم، مانند دیگر خدمات عمومی، باید از بین برود.

دیگر در حال حاضر اغلب مدیران کارخانه‌های اتومبیل سازی، به علت سوء استفاده در دوران قبل از انقلاب، به خارج از کشور رفته‌اند و نیز اغلب کارخانه‌ها بدهی قابل توجهی به بانکهای ملی شده دارند، که پیش بینی میشود بزودی دولت مالکیت خود را در واحدهای بدهکار اعمال کند. ما ضمن تأیید این طرح، همچنان که بارها اعلام داشته‌ایم، دولت مبیاست تمام صنایع و کارخانه‌های وابسته و معادن را ملی اعلام کند و در دست خود بگیرد. فقط از این طریق است که میتوان تمام ریشه‌های وابستگی به امپریالیسم را قطع کرد و گامهای اساسی در راه تأمین منافع حقه زحمتکشان برداشت.

«باز بر سینه دیوار نویسنده‌ها...»

برای نوشتن این شمار از رنگ نارنجی استفاده شده بود. در نگاه اول بنظر میرسد که کسی سعی کرده است این شمار را پاک کند، ولی نتوانسته است. برای هر گذرنده جستجوگری پرسرگ قهوه‌چی توضیح می‌دهد که این شمار سی سال است که بر روی این دیوار نوشته شده و در فصل بهار که آب رودخانه طغیان میکند و بالا می‌آید، روی این نوشته اثر میکند و آنرا همواره تازه و شاداب نگه میدارد، همانطور که این شمار در قلب هر زحمتکش انقلابی همواره تازه و شاداب است.

واقلاً هم در گوشه دیگر دیوار تاریخ مالمال شدن رودخانه را در فروردین یا اردیبهشت سالهای مختلف ثبت کرده بودند. چه درست گفته است و کیلی شهید در شعر مشهورش: «باز بر سینه دیوار نویسنده براه... باز و همواره»

گزارشگر ما از گیلان خبر میدهد که زحمتکشان این استان وفادار به سنتهای انقلابی پدران خود، بیش از پیش بسوی حزب توده ایران روی می‌آورند و مبلغ اندیشه‌ها و برنامه آن می‌شوند.

چاپ تشریفات بصورت افست، که خیلی ریز و بعضاً ناخواناست، شکایت کرده‌اید! نظر شما درست است و ما قصد داریم کتب منتشره، از این بیمه بصورتی باشد که، خوانا و قابل استفاده باشد و از این لحاظ امکانات ما بیشتر شده است.

دوست ارجمندی که باز از چاپ تشریفات بصورت افست، که خیلی ریز و بعضاً ناخواناست، شکایت کرده‌اید! نظر شما درست است و ما قصد داریم کتب منتشره، از این بیمه بصورتی باشد که، خوانا و قابل استفاده باشد و از این لحاظ امکانات ما بیشتر شده است.

از همه دوستانیکه برای «مردم» نامه نوشته‌اند، صمیمانه تشکر میکنیم و امیدواریم باز هم برای ما نامه و مطلب بفرستند.

کوشش برای ...

بقیه از صفحه ۱

بهین دلیل حزب ملت ایران به یاری چند شخصیت ملی و دیگر سازمان‌هایی که در برداشتهای سیاسی از شرایط کنونی جامعه ایرانی هماهنگی کامل دارند، کوشش‌هایی برای دست یافتن به این اتحاد بزرگ آغاز کرده است.

بنظر من بقای همکاری با سازمان کنونی جبهه ملی نه تنها در زمینه گسترش وحدت و بوجود آوردن یک پایگاه برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب ملت ایران نبود، بلکه مبارزه انحصار پیدا میکرد به گروهی دوست و دارای روابط خصوصی، که آنها هم در رابطه مستقیم از طریق یک گروه اجتماعی با توده مردم نبوده‌اند و در نتیجه شناخت واقعی از جوشی که در درون جبهه وجود دارد، نداشتند و ناگزیر سیاستهای فرصت طلبانه در برابر انقلاب گرفتند.

داریوش فروهر درباره گروه‌های چپ گفت: «تا آنجا که من بررسی کرده‌ام در ایران چپ یکدست وجود ندارد. دسته‌های گوناگون هستند که از نظر سیاسی روش‌متمن و هماهنگ با جریان کلی نهضت گرفته‌اند. از طرف دیگر دسته‌هایی هستند که حالت اخلاک‌گرا نه بخود گرفته‌اند.»

فروهر سپس گفت: «مهمین ما هم اکنون دستخوش توطئه‌های گوناگون امپریالیست‌های جهانخوار و باقیمانده ارتجاع داخلی است و انحصارطلبی‌ها و اخلاک‌گرایی از دو سو آینده ایران را تهدید میکند.»

فروهر در پاسخ خبرنگار «مردم» که درباره «راه‌های عملی برای هماهنگ کردن و متحد کردن نیروهای انقلابی، پرسیده بود، گفت: «منظور من از اتحاد، اتحاد کلیه نیروهای است که خود را پیرو مصدق میدانند، و افزود: «البته با همه نیروها بشرط حسن نیت می‌توان اتحاد عمل داشت.»

بازگشت صاحبان صنایع

دکتر اسداله مبشری، وزیر دادگستری، در سخنان خود از نظریه بورژوازی لیبرال مبنی بر بازگرداندن مدیران و صاحبان صنایع با استفاده از «مفهومومی» دفاع کرد و اعلام نمود، «مشکلی برای بازگشت آندسته از مدیران و صاحبان صنایع، که بهر حال خاک وطن را ترک کرده اند، باقی نمانده است.»

مبشری در ادامه سخنان خود گفت: «حکومت اسلامی مخالف سرمایه‌داری سالم نیست و علاوه بر آن از سرمایه‌داران و مدیران سالم نیز حمایت می‌کند. بنا بر این، آنها که رفته اند باید برگردند و بدانند که جان و اموالشان در امان است.»

در اینکه سرمایه‌داری سالم، که در شرایط امروز ایران، بمعنای سرمایه‌داری ملی و غیر وابسته است، باید در دوران سازندگی انقلاب شرکت کند، تردیدی نیست. اما این بمعنای عفو دادن به همه صاحبان صنایع و مدیرانی نیست که از ایران گریخته اند. اینها اغلب سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم هستند، که در سالهای سلطه رژیم آریامهری بر ایران، مستقیماً در غارت خفتهای ایران و منافع ملی ما بسود خود و به سود امپریالیست‌ها نقش داشته اند و از طریق انواع زودبندها، صنعت و کشاورزی ایران را بسود غارتگران امپریالیست و بسود خود به بنا بودی کثافت کرده اند. در واقع سرمایه‌داران وابسته در تمام جریانات رژیم پهلوی، شریک بوده اند. دادن عفو به این غارتگران و بازگرداندن آنها برای اداره صنایع، هیچ معنایی غیر از بازگرداندن سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم به ایران ندارد. چیزی که مطلقاً نمی‌تواند خواست مردمی باشد که برای پایان دادن به سلطه سرمایه‌داری وابسته، دهها هزار شهید داده اند.

تلاش برای برهم زدن وحدت سندیکائی، توطئه‌ای ضد کارگری است

دستاوردهای ارزنده طبقه کارگر در سالهای قبل از بهمن ۱۳۲۷، یعنی در دوران فعالیت علنی سندیکاهای کارگران، فقط در سایه وحدت سندیکائی کارگران میسر شد. در سایه این وحدت، طبقه کارگر توانست به کسب بخش مهمی از خواستهای سیاسی و اقتصادی خود نائل آید، و بیش از آن، خود را بتواند یک طبقه به هیئت حاکمه‌ای که حتی از نام «کارگر» وحشت مرگ داشت، تحمیل کند.

وحدت سندیکائی طبقه کارگر بیم امپریالیسم و ارتجاع داخلی ایران را برانگیخت. همراه با سرکوب مبارزات کارگری، تلاشهای بی دریغی برای ایجاد تفرقه در صفوف کارگران آغاز شد. امثال یوسف افتخاری بمیدان آمدند، سندیکاهای زردمانند «اسکی» و «الکاء» تشکیل شد، ولی نه سرکوبها و نه تفرقه افکنی‌ها به نتیجه مطلوب نرسید. طبقه کارگر آگاه و مبارز ایران دست رد بر سینه امپریالیسم و ارتجاع تفرقه افکن نهاد. اما امپریالیسم و ارتجاع از تلاشهای نکبت بار خود باز نایستادند و سرانجام با سلاح غیر قانونی کردن فعالیت سندیکاهای کارگری بمیدان آمدند، که خود صدمات جدی به رشد مبارزات سندیکائی وارد آورد.

اکنون پس از گذشت دهها سال، در نتیجه شکوفائی انقلاب ایران، این فرصت مغتنم برای طبقه کارگر پدید آمده است که با تحکیم صفوف خود، برای تحکیم انقلاب و تحقق خواستهای صنفی و سیاسی خویش مبارزه کند و از جمله سندیکاهای اصیل خود را بوجود آورد. درست در چنین لحظات حساسی است که میبایست دستهای تفرقه انداز بحرکت در آمده اند و میان کارگران بند نفاق وجدائی میافشاند.

گروههای مائوئیستی، این خائنین به طبقه کارگر، که رسالت شوم خود را در جداسازی نیروها و کمک به امپریالیسم و ارتجاع میدانند، با شعارهای فریبنده و میان تهری بیان کارگران میروند و با سوءاستفاده از مشکلات موجود سعی دارند در امر ایجاد سازمانهای صنفی طبقه کارگر اختلال کنند. آنها در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، بیشترین کوشش‌شان متوجه آنست که بزایش سندیکاهای کارگران اعمال نفوذ کنند، بین کارگران تفرقه بیندازند، سندیکاهای موجود را بهم بریزند و در کار فعالیت آنان، اختلال و اشکال‌تراشی کنند. آنها این قصد پلید را حتی در «خانه کارگر» هم، که متعلق به همه کارگران صرف نظر از وابستگی سیاسیشان است، حاکم کرده اند و میکوشند کارگران را از نظر سیاسی در برابر هم قرار دهند و بدینسان در امر وحدت سندیکائی مانع ایجاد کنند.

برخی دیگر از جریانهای فکری نیز، اینجا و آنجا، در جهت پراکندگی صفوف کارگران عمل میکنند، امری که مسلماً بزیمان طبقه کارگر است. در انقلاب پیروزمند ایران، کارگران صرف نظر از

تعلق عقیدتیشان، با شعار طبقه کارگر متحد همه چیز، طبقه کارگر متفوق هیچ چیز، شرکت کردند و به بزرگترین دستاورد تاریخ مبارزات خود رسیدند، یعنی یک رژیم استبدادی وابسته به امپریالیسم را از تخت قدرت به زیر کشیدند.

اکنون نیز در دوران گذار و سازندگی، اتحاد طبقه کارگر و وحدت سندیکائی آن باید تأمین و چون مردمک چشم پاسداری شود، باین دلیل روشن که منافع طبقه کارگر، صرف نظر از وابستگی عناصر آن به این یا آن جریان سیاسی و مذهبی، یکی است. نباید هرگز از یاد برد که دوزخی ترین تاکتیک امپریالیسم برای تأمین منافع پلید خود در سراسر جهان، ایجاد تفرقه در صفوف مبارزان ضد امپریالیست است، که جزئی از این تاکتیک، عبارتست از ویران کردن وحدت سندیکائی کارگران، ایجاد جریانهای مختلف کارگری و روبروی هم قرار دادن آنها، که هم اکنون بطور عمده بدست مائوئیستها در دست اجراست.

کارگران باید با اتحاد، تشکل و آگاهی علیه تفرقه افکنی خطرناک عناصر ضد انقلابی مبارزه کنند، آنانرا از صفوف خود برانند، با هشدار کامل متوجه شیوه‌های تحریک و تفرقه امپریالیسم و عوامل داخلی آن باشند و شعار وحدت سندیکائی را چون مردمک چشم گرامی دارند.

گام بیگام، ولی مطمئن

اندیشه‌های راستین انقلابی پیش می‌رود

فعالیت ثمر بخش جوانان هوادار حزب توده ایران در آذربایجان، هر روز گروههای بیشتری از جوانان صدیق انقلابی و نیروهای بواقع چپ را - که فریب چپ‌نمائی و چپ زوی رانمی‌خورند - جلب می‌کند. هر هفته فروش روزنامه‌های «مردم» و «آذربایجان» در شهرها و دهات فزونی مییابد. فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان ایالتی حزب توده ایران، بتطابق خدمات گذشته و سنتهای انقلابی خویش، در میان مردم زحمتکش، بویژه در روستاها، از محبوبیت ویژه‌ای برخوردارست. در یکی از دهات، که پنجاه شماره «مردم» برای فروش برده شده بود، ۴۵ نفر خریدار کارت عضویت قدیمی خود را در فرقه، که بیش از سی سال حفظ کرده بودند، نشان میدادند. خبر دیگر اینکه، در یکی از کلاسهای که عده‌ای از دانشجویان باگرایشهای افسراطی، ترتیب داده بودند، برای آنکه رنگ کارگری به محفل بنهند، تکی چند از کارگران را نیز دعوت کرده بودند. ولی بعضی درس و روشنگری، گردانندگان محفل، تحت تأثیر اعمال فشار مائوئیستی، کار را به دشنام و توهین نسبت به حزب توده ایران می‌کشاند. در این هنگام کارگری، که تحمل شنیدن اتهامات دروغین را نداشت، برخاسته می‌گوید: «آمده بودم که چیزی یاد بگیرم، نه اینکه به حزبی که سی سال است به آن علاقمند هستم بگوئید خائن است.» کارگرا روزنامه‌های حزبی و همچنین «آذرخش» را بسرعت می‌خرند و برای هم میخوانند.

اصل، داشتن یک قانون اساسی مترقی است نه شکل تصویب آن

و مخالف خوانیها بنام دفاع از «اصل مجلس موسسان» که همه کس میدانند و میبینند در حال حاضر بمعنای مخالفت با تسریع در تدوین قانون اساسی و تعیین تکلیف کشور است، کار درست و انقلابی و آزادیخواهانه است؟ آیا آزادی را استحکام نهادهای قانونی جمهوری و ایجاد زمینه‌های کار سازندگی در جهت استقلال و دمکراسی و بهبودی مردم تأمین میکند، یا تعویق مسئله و تعلیق آن به نامعلوم؟

بنظر ما، نتیجه این تعویق، بازماندن صحنه برای خطرناکترین عناصر ضد امپریالیستی است که چهار چشمی مترصدند از آرزوهای شریف و آزادیخواهانه و از نیات صادقانه دمکراتیک سوء استفاده کنند. نباید بنام آزادی بر آزادی ضربه زد و بدشمنان آزادی امکان مانور و فعالیت داد. باید ماهم چهار چشم دیدار باشیم و ببینیم در وراء هر شعار و ظاهری، چه هدف و باطنی نهفته است. همه دمکراتهای واقعی باید صف‌آرایی شدید و حاد ضد انقلاب را در همه طیف وسیع آن ببینند و چشم خود را بر منافع عالی انقلاب و توطئه‌های گوناگون ضد انقلاب نه بندند.

ما پیشنهاد میکنیم که بجای سر و صدای پیرامون «خطر فاشیسم» و «استبداد توتین»، که پایه واقعی ندارد و پیش نویس منتشر شده هم بی‌بایگی آنرا از نظر نحوه تنظیم قانون اساسی نشان داده است، همه کوشش خود را برای هر چه خلقی‌تر کردن و مترقی‌تر کردن این طرح و تکمیل و تصحیح آن بکار بریم و سعی خود را در جهت انطباق هر چه بیشتر آن با اهداف انقلاب ضد امپریالیستی، خلقی و دمکراتیک و کوتاه کردن دوران گذار آمیخته با بلاتکلیفی و موقتی بودن وی برنامگی و فرا آوردن زمان و حل قطعی تمام مشکلات واقعی اجتماع ما، که بسیار زیاد هم هست، متوجه سازیم.

استوار نشده، وارد آوردند. ما باید این واقعیت را که ضد انقلاب فعال و خطرناک است، ببینیم، و هدفمان این باشد که، فعالیت آنرا خنثی و آنرا خلع سلاح کنیم. تسریع در تدوین قانون اساسی سودر شرایط کنونی با تشکیل یک مجلس محدود - که نامش مهم نیست، عملی و نتیجه کارش مهم است - و تصویب نهائی قانون با رفراندوم در مدت کوتاه، راه رسیدن باین هدف است.

در این مورد نیز کسی نمیتواند بگوید که باز حزب توده ایران دنباله‌روی میکند. این که کدام مسئله اساسی است و چگونه باید عمده را، از غیر عمده تمیز داد و این خود قانون اساسی و محتوی آن است که عمده است و له شکل مجلس موسسان، از مدتها قبل توسط حزب ما بیان شده است و ما هنوز هم معتقدیم که در شرایط کنونی مجلسی لازم است که، صرف نظر از شکل و ناهشی، بتواند قانون اساسی مترقی و شایسته انقلاب را بنا دهد و ریشه‌های آنرا که ضد انقلاب در خارج و داخل کشور میدواند، بموقع و هر چه زودتر قطع کند.

وزیر مشاور در مورد طرحهای انقلاب تصریح کرده است که: «مجلسی انتصابی نیست و نمایندگانش یا انتخابات عمومی تعیین میشوند. وزیر خارجه هم به «تیران تایمز» گفته است: «که این یک انتخابات خواهد بود، یعنی یک مجلس موسسان انتخاب شده بوسیله عموم مردم.» و تصریح کرده است که: «بوسیله هیئتی منصوب نخواهد شد، بلکه بوسیله عموم مردم انتخاب میشود.»

آیا فقط عده اعضاء و مدت کار مجلسی انتخابی بپایه‌ای کافی است تا علم مخالفت با تسریع در تدوین قانون اساسی، که عمده ترین مسئله کنونی ماست، بلند شود؟ آیا براه انداختن تظاهرات و گرد هم آییها

بقیه از صفحه ۹
یک مجلس چهارصد پانصد نفری، با مدت کار دراز، ابتدا چنین سندی درنیاورد و در طی این مدت بسیار حساس برای سر نوشت انقلاب ما، ضد انقلاب، یعنی امپریالیسم و ارتجاع شکست خورده، وابستگان بر رژیم سابق و تمام وازندگان سیاسی و آنهایی که منافع غارتگرانه اقتصادی خود را در خطر میبینند، سوء استفاده کنند و بتوانند در فرصت کافی شبکه فعالیتهای خرابکارانه خود را سازمان دهند و ریشه‌های آفت و فساد را بهم متصل کنند، دسته‌های ملخ را گرد آورده بسوی محصول تازه‌رسی و نوجوان انقلاب ما کیش دهند و از آنهمه خونی که ریخت و مبارزه‌ایکه انجام شد، چیزی بجای نگذارند.

اینکه کدام یک از این «چه بسا» ها عملی شود، مربوط بهمه ماست، مربوط بهبیشاری سیاسی ما و مبارزه بی‌امانی که جریان دارد. این ما هستیم که نباید اجازه دهیم، اسوء استفاده از دفع الوقت‌ها، انقلابیمان را برباد دهیم. این ما هستیم که باید ظرف مدت هر چه کوتاھتری دست ضد انقلاب را ببندیم.

البته ما با تشکیل یک مجلس موسسان وسیع و بزرگ، اگر شرایط عادی برایش فراهم میبود، مخالفتی نداریم و «اصولاً» چنین مجلسی را رد نمیکنیم. منتھی ما واقع بین هستیم. ما شرایط امروز کشور خود را میبینیم. ما میبینیم که چگونه امپریالیسم و دارو دسته وابسته باو و آنها که خواب «رژیم گذشته بدون شاه» را دیده اند، مترصدند، هر چه ممکنست کار تدوین و تصویب قانون اساسی را بتعویق اندازند تا فرصت پیدا کنند و ضربه کاری خود را به جمهوری ما، که هنوز قوام نیافته و نهادهای اجتماعی سیاسی خود را ایجاد نکرده و بر شالوده‌های قانونی دائمی و مستحکمی

اخبار کارگری

در کارخانه زمینسی

بر اثر درگیریهای لفظی میان کارگران و شورای سابق، سندیکای سابق منحل شده و سندیکای جدیدی تشکیل شده است. سندیکای جدید با رضایت کارگران تشکیل شده و خواستهای رفاهی از جمله، تعیین اضافه دستمزد و پرداخت حقوق عقب افتاده و تعیین گروههای شغلی کارگران را مطرح نموده و به کارفرما اعلام داشته که اگر جواب مثبت داده نشود به اقدامات قاطع تر دست خواهند زد. کارگران هم چنین توانسته اند یکی از اعضای هیئت مدیره شرکت بنام «گریگوریانس» آمریکائی را وادار به استعفا کنند و شخص دیگری را بجای وی بکارند.

کارگران حقوق خود را میخواهند

کارگران شرکت ویلیام برادرز، از روز یازدهم خرداد دست به تصمن زده اند شرکت «ویلیام برادرز» یک شرکت آمریکائی است که بکار لوله کشی نفت برای شرکت ملی نفت اشتغال داشت و با شروع انقلاب، دست به اخراج کارگران زد. در میان کارگران افرادی با مشاغل نجار، لوله کش، جوشکار و راننده دیده می‌شوند که از شهرهای اهواز، آغاچاری رشت، کرج، رودبار و سایر شهرها آمده اند، تعداد کارگران این شرکت بیش از ۲۰۰۰ نفر است که قریب ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفرشان متحصن شده اند. کارگران می‌گویند وقتی برای گرفتن حقوق خود به شرکت مراجعه کردند، مدیران شرکت همه فراری بوده اند. کارفرمای شرکت حق بیمه ای را که از کارگران کسر کرده، به بیمه پرداخت نکرده و حقوق آنها را در لیستهای بیمه کمتر از حقوق عادی شان ثبت کرده و در پاسخ اعتراض کارگران گفته اند که بخشید، اشتباه شده است!

شورای محلی سازمان آب منطقه‌ای

شورای محلی با اتفاق رئیس امور کارخانه، با مدیریت عامل سازمان آب منطقه‌ای تهران درباره کسر شدن ساعات اضافه کاری کارکنان کارخانه شیمیائی، که بعنوان ترمیم حقوق پرداخت میشود صحبت کردند و قرار شد است در ماه ۶۰ ساعت به کارکنان، ام و رقم آن بیش از ۱۰۰۰۰ ریال در ماه نباشد. ضمناً عده‌ای از کارگران شفاها از شورای مرکزی سازمان آب منطقه‌ای خواسته اند که مقدمات مجمع عمومی سندیکای کارگران سازمان آب را جهت تعیین هیئت مدیره جدید ترتیب دهند، که هنوز عملی نشده است.

ناراضی تراشی، خطری است برای انقلاب!

ایجاد فلج و هرج و مرج اقتصادی و تشدید دشواریهای مختلف زندگی روزمره کارگران، دهقانان، کارمندان و دیگر قشرهای زحمتکش جامعه - مهمترین وسیله در دست ضدانقلاب علیه انقلاب.

ما توجه شورای انقلاب و شخصی امام را به بررسی این خطر جلب می کنیم!

حزب توده ایران در نامه سرگشاده کمیته مرکزی خود، که در تاریخ ۱۴ خرداد ماه ۱۳۵۸ نشر یافت و روزنامه «مردم»، ارگان حزب، در سرمقاله همانروز تحت عنوان «پایه های اقتصاد شکوفان و مستقل را باید در همین دوران گذار استوار کرد»، مطالب گفتمنی فراوانی را درباره ضرورت پرداختن فوری به وضع اقتصادی کشور یادآور گردیدند.

از آن تاریخ تا امروز در کنار ملی شدن بانکها (که با توضیحات و تفسیرهایی که از طرف برخی سختگویان دولت می شود و نیز با توجه به بعضی مختصات منفی دستگاههای اجرائی، ممکنست نشود از این تصمیم درست، حداکثر استفاده را بسود سالمسازی اقتصاد کشور کرد)، ما با اقدامات قاطعی روبرو نیستیم.

گرانی خوار و یار و دیگر مواد مصرفی و مورد نیاز جامعه گماکان ادامه دارد، در حالیکه به بهانه های مختلف، بجا و نابجا، از درآمد زحمتکشان پدید و فکری شهر و ده گاسته میشود.

درآمد کمتر، مخارج بیشتر! چه چیزی برای ناخرسندی عمومی زحمتکشان از این خطرناکتر؟! ما بخوبی میدانیم که دولت کنونی وارث دشواریهای عظیمی است که بازمانده رژیم خائن گذشته است. ما بخوبی میدانیم که مسائل بفرنج اقتصادی و سیاسی را نمی توان در عرض مدتی کوتاه حل کرد. ما بخوبی میدانیم که سرمایه داری جهانی و داخلی (که از مسیر انتزاعی آتی انقلاب ایران نگران است) دست به انواع اخلالها می زند و موسسات و شرکتها را بحالت

تعطیل و نیمه تعطیل در می آورد، کارگران و کارمندان را به بهانه های مختلف اخراج میکند، قراردادهای خود را با دولت و موسسات بلااجراء و بانواع بهانه ها معطل می گذارد و غیره. ما میدانیم که ضد انقلاب در انواع جاهها، در کمیته ها، در شوراهای کارگران، در احزاب و گروهها رخنه می کند و سعی دارد نام انقلاب و جمهوری اسلامی را لکه دار کند و مردم را از آن برهاند و برای محکوم کردن انقلاب بهانه بدست دهد.

اینها همه بر ما روشن است. ولی این نیز روشن است که عمل ضد انقلاب بشکل مولری موجب تشدید ناخرسندی است. به اخبار جراید نگاه کنید: اعتصابها، تحصنات، تجمع کارگران و دهقانان و زنان در مقابل موسسات دولتی یا مراجعه شکایت آمیز آنها به کمیته ها و به دفتر امام، اینروزها جزو امور عادی است. حمله چاقوآوران مالکان به دهقانان، یورش به کتابفروشیها و دفاتر احزاب، مداخله برخی ماموران کمیته ها در اموری که هدف آن تنها میتواند رنجاندن و عصبانی کردن مردم باشد، تکرار میشود. در میان مردم این واقعات، همراه با شایعات و تحریفات بسیار، دهن به دهن میگردد و فضا را دمیوم مسموم تر می کند.

ما اطمینان داریم که این امور بر خلاف منویات امام خمینی است که به تداوم انقلاب و تعمیق آن و پیروزی آن بمشابه رهبر قاطع این انقلاب علاقه بی پایان دارد. ما باور داریم که هواداران راستین مشی امام، اعم از روحانی و غیر روحانی، نیز مانند خود او بدین جریان با تگرانی نگاه می کنند. ولی صحبت بر سر آن است که کی و چگونه از این روند وسیع و همه جانبه ناراضی تراشی جلوگیری خواهد شد.

بنظر ما علاوه بر سرمایه داری بین المللی و سرمایه داری بزرگ وابسته ایران (که آرزومند بازگشت به «روزهای خوش» گذشته است)، علاوه بر ضد انقلاب شاهپرست، مرکب از عناصر ساواک و برخی افسران ارتجاعی، متاسفانه در خود دستگاه دولتی نیز سبوا یا عمدا روشهایی دنبال میشود که آب در آسیاب ضد انقلاب میریزد، تصمیماتی اتخاذ میگردد که تنها میتواند بر خیل ناخرسندان بیافزاید. چرا؟ مگر این دستگاهها به سر نوشت انقلاب لایقند و میداندند که ضد انقلاب در صورت پیروزی به احدی رحم نخواهد کرد؟

تجربه انقلاب شیلی نشان داده است که ایجاد ناخرسندی اقتصادی یکی از مهمترین اهرمهای ضد انقلاب است. نمائش «کدبانوها با دیک خالی» یکی از شگردهای کلاسیک ضد انقلابی است، که بدنبال خود فاجعه خونینی را همراه داشت.

ما بنوبه خود به بررسی انقلاب توجه می دهیم که این پدیده هارا مورد جرم در زمینه سیاست و اقتصاد است کسانی باشند که خطرا کوچک کنند و یا با تعدد در گمراه سازی، وضع را عادی جلوه گر سازند. چنین کسانی اگر نادان نباشند، البته مفرضند. گسترش ناخرسندی در میان زحمتکشان، بویژه در نتیجه افت درآمدها و بالا رفتن قیمتها عوامل متعدد دیگر، یک پدیده عینی است و نمیتوان و نباید آنرا ندید و انکار کرد. سیاست ناراضی تراشی وجود دارد و نمیتوان و نباید آنرا ندید و انکار کرد.

جامعه ایران عطشان است بداند که انقلاب کی راه خود را با عزم جزم در زمینه سیاست و اقتصاد دنبال می کند؟ کی از کارهای لازم و موثر اصلاح وضع معیشت عمومی را به وجود می آورد؟ کی ثمرات انقلاب را در زندگی روزمره نشان میدهد یا لاقول در این زمینه ها چه نقشه ای دارد؟ کی به سیاست ناراضی تراشی خاتمه خواهد داد؟ البته انقلاب به ناچار ناراضیانی بوجود می آورد، ولی اینچنین صحبت بر سر زنان و مردان زحمتکش پدید و فکری است که قشرهای ممتاز. طرح این مسائل و دادن زلبهاریش به موقع را ما وظیفه مقدسی انقلابی خود می شمیریم و با دغدغه، نگران تصمیمات قاطع، شورای انقلاب و دولتییم.

اهمیت تاریخی دستاوردهای انقلاب ایران

بقیه از صفحه ۱
عدهای دیگر نیز. تقریباً با همین برخوردها و شیوهها، منتها از دیدگاهی دیگر، به نتیجه گیریها و ارزیابیهای کاملاً مخالف میرسند و مدعی می شوند که با اقدامات و تدابیری که تاکنون انجام گرفته، کار انقلاب پایان یافته و هدفها بدست آمده است.

گروه اول، یاچپهای افراطی با منتفی باقی در باره انقلاب و سیاه کردن دستاوردهای آن، دوزبان به انقلاب، آنهم در این مرحله بسیار حساس، میرسانند، عدهای را به نومیدی و سرخوردگی از انقلاب می کشانند و عدهای دیگر را با تبلیغ درباره انقلاب در انقلاب، وحتی قیام مسلحانه تازه برای رسیدن به سوسیالیسم، به راههای مساجرا جویانه سوق میدهند.

گروه دوم، یا لیبرال های سازشکار، باغلو در باره دستاوردهای انقلاب - که در واقع ترس از دستاوردهای واقعی انقلاب و دورنمای تکامل آنست - فرمان آتش بس صادر می کنند و میکوشند مانع گسترش و ژرفی انقلاب گردند.

و شکفت آنکه، این دو گروه، که یکی از «چپ» به انقلاب میتازد و دیگری از راست بر آن لگام میزند، در کینه و ستیز نسبت به انقلابی های صادق و رهبری انقلاب چنان درهم می آمیزند که گویی دور و خند اند یک بدن ۱ ناسازی آنان در ارزیابی انقلاب و طرح شعارهای استراتیژیک، مانع همسازیشان در حمله به نیروهای راستین انقلاب و بسالتر از آن همکامیشان در میدان تظاهرات و میتینگها نمیکردد. «سوسوس» (۱) بیهوده نیست که ضد انقلاب بر هر دو نظر دارد.

ولی این نظری یکسان نیست. ضد انقلاب چپ افراطی را برای آن می خواهد که از آن بمشابه

نردبانی موقت برای بالا کشیدن و بکری حاکمیت نشان دادن راست سازشکار استفاده کند و پس از بهره گیری همچون ابزاری زائید بدو واقفند. راستی، چه الفت و بیوند صدقانه ای میان سازشکاری لیبرال های راست روئی که میخواهند انقلاب را در نیمه راه پیروزی ترک گویند و انقلابی گرایان چپ بدوی که میخواهند انقلاب را هم اکنون تا مرزهای سوسیالیسم بتسازانند، میتوان وجود داشته باشد؟

انقلاب بزرگمارادستاوردها و پیروزیهایست شگرف، که انکارش در حکم کفر است و نادیده گرفتنش بمشابه ریشخند به شهیدان و سخره بر مبارزان، این پیروزیها و دستاوردها کدامند؟

در جنبه مبارزه با استبداد: بر افتادن رژیم خودکامه سلطنتی و برپایی جمهوری اسلامی، تلاشی شبکه جهنمی ساواک، فرمایشی سازمانهای زورگویی و اختناق شهربانی و زندان امری، از هم پاشیدگی دستگاه ضد مردمی ارتش، کیفر خائنان و جنایتکاران و غارتگران، احیاء سازمانها و احزاب و اتحادیه ها و جمعیت های دموکراتیک، استقرار آزادی مطبوعات و اجتماعات و...

در عرصه مبارزه با امپریالیسم: خروج از پیمان تجاوزی ستو، فراخواندن ارتش از قتلگاه ظفار، فسخ قراردادهای اسارت بسار و غارتگرانه خرید سلاحهای جنگی، ابطال سند فنک آورکاپیتولاسیون اخراج اکثریت کارشناسان باجگیر و جاسوس پیشه امپریالیستی، فسخ برخی از قراردادهای زیان بخش اقتصادی و بازرگانی وقتی بدست گرفتن تولید و فروش نفت، خودداری از صدور نفت به صهیونیستهای اسرائیل و ژنرال - پرستان آفریقای جنوبی، برقراری مناسبات دوستانه با خلق مبارز و

نشده اند، حقوق و آزادی های دموکراتیک در همه عرصه ها و همه سطوح تأمین نشده و یا قوام نیافته اند، در بسیاری از نهادهای رژیم گذشته تحول بنیادی و پاک سازی بنحو لازم و انقلابی انجام نکرده است، اقتصاد کشور دستخوش آشفتنگی و نابسامانی است، بسیاری از قراردادهای اسارت آور و زیان بخش با کشور - امریکا، هنوز لغو نشده اند، مناسبات سیاسی، اقتصادی، بازرگانی و مالی با کشورهای خارجی هنوز در انتظار تحول بنیادی خود هستند، کمبود و تزلزل و پیشداوری و کج اندیشی در این زمینه ها هنوز کم نیست و... ضد انقلاب از همه این

والبته باین توفیق، سرانجام توطئه سکوت را دیو و تلویزیون در مورد حزب توده ایران می شکند! روزنامه اطلاعات هم در شماره شنبه ۲۶ خرداد خود، از قول تهرانی با بزرگترین حروف تیت می زند: «حزب توده ایران را ساواک رهبری می کرد». انتخاب چنین تشری، از آنجا که در متن اعترافات تهرانی در روزنامه اطلاعات و روزنامه های دیگر، نه کلمه «رهبری» وجود داشت و نه حتی مفهومی نزدیک به آن دیده میشد، اگر نشانه حضور محافل خامی نباشد، خبر از انتخاب تیت های چنگالی برای جلب خواننده میدهد.

بهر حال انتخاب چنین تیت، در شرایط حساس ایران، که گروهها بی شمار به اشکال و در لباس های گوناگون سرگرم تفتین و تبلیغ زهر آکهن علیه حزب توده ایران هستند، از آنجا که به منوب ساختن ذهن خوانندگان کمک می کند، می تواند در ضمن مطبوعات، در ایران با سازمانهای انقلابی، نشانه فراموش کردن مسؤلیت اجتماعی و تسلیم شدن به شگردهای روزنامه نگاری جنجالی است و به مغرضان و دشمنان اجازه میدهد، از آن برای تبلیغات علیه حزب توده ایران بهره برداری کنند.

در پایان باید گفت حزب توده ایران، بشهادت تاریخ پر افتخار و پرفراز و نشیب خود، هم در مقابل ترور پلیسی از پای در نیامده است و هم در برابر تبلیغات زهر آکهن زانو خم نکرده است. خوبست این واقعیت را همه کسانی که آموخته ها را دوباره می آزمایند، همواره بخاطر داشته باشند.

استفاده از جلا د ساواک...
بقیه از صفحه ۱
ناگهان بفکر «بکری» دست یافته اند، استفاده تبلیغاتی از جلا د ساواک علیه حزب توده ایران. واقعیت اینست که آنچه تهرانی درباره نفوذ ساواک در «تشکیلات تهران» حزب توده ایران گفته است، به واقعیت بسیار نزدیک است. در سال ۴۶، عباسعلی شهریاری، مامور هزار چهره ساواک، که بعدها اعدام انقلابی شد، توانست در تشکیلات تهران حزب مارخنده کند. نفوذ این عنصر مزدور ساواک باعث دستگیری گروهی از رفقای ما شد که به شهادت عده ای از آنها، از جمله رفا حکمت جو، رزمی و معصوم زاده انجامید. حزب توده ایران، خود پیش از همه باین نفوذ ساواک پی برد و آنرا افشاء کرد. و حالا بعد از نزدیک به ۱۰ سال، وقتی جلا د ساواک همان حرفها را در ادراکگاه تکرار میکند، و در حالیکه در همین دادگاه، از نفوذ ساواک در سازمانهای دیگر هم سخن رفته، در حالیکه از خیانت مائوئیستها و همکاری آنها با ساواک پرده برداشته شده، محافلی، دانسته و ندانسته، فقط از سخنانی که این جلا د ساواک درباره حزب توده ایران زده، بهره برداری تبلیغاتی میکنند، رادیو و تلویزیون، که هرگز نام حزب توده ایران را نمی بردند، ساعتها دراز بیانات جلا د ساواک را درباره حزب توده ایران پخش میکنند،

امضای پیمان ...
بقیه از صفحه ۱
رقابتیهای تسلیحاتی فراهم خواهد آورد. «خبرگزاری تاس» همچنین تأکید ورزیده که «اکنون مسأله مهم این است که راه حلی برای مسائل مهم دیگر، مانند متوقف ساختن تولید سلاحهای هسته ای، تقلیل تدریجی زرادخانه اتمی و کاهش نیروها و انواع سلاحها در اروپای پیدا شود»، تاس مؤکدا اعلام کرده که «اتحاد شوروی که به اصول سیاست صلح و همزیستی معتقد و وفادار است از بذل کوشش و اقدام سریع در این طریق پشتیبانی می کند».

خبرگزاری شوروی ضمن تصریح این مطلب که امضای پیمان سالت ۲ یک رویداد مهم بین المللی است به مخالفان آن در امریکا، که نمایندگان صنایع نظامی غرب هستند، شدیداً حمله کرد. این سخن مفسر خبرگزاری تاس متضمن توضیح سخنان لئونید ایلیچ بر زنف در ضیافت شام کارتر در سفارت امریکست. بر زنف در این ضیافت از سیاست صلحجویانه اتحاد شوروی در برابر اتهامات مخالفان تفاهم متقابل اتحاد شوروی و امریکا، که مدام افسانه موهوم و مجبول «تهدید شوروی» را بعنوان مستمسک مخالف خوانیهای خود تکرار می کنند، دفاع کرد.

صنایع امریکایی نیز اعلام کردند، و لئونید بر زنف که در پایان مشارکت مؤثر و جدی خود در گفت و گوهای وین این مطالب را بیان کرد، در باره جنبه خلاق دیدارها و مذاکرات خود با کارتر، که در محیطی سرشار از روح احترام متقابل انجام گرفت، تأکید ورزید و تصریح کرد که می توان به نتایج ثمر بخش آن امیدوار بود.

سالت ۲ در وین، که هشتمین دیدار رؤسای جمهوری اتحاد شوروی و امریکا از پایان جنگ دوم جهانی است. بطور ملخص عبارت از تعیین حدود کمی و کیفی تولید سلاحهای استراتژیک است، بدین معنی که پیمان سالت ۲ برای تعداد و نوع موشکها و بمب افکنهای دور پرواز دو کشور محدودی تعیین کرد، که تا سال ۱۹۸۵ اعتبار خواهد داشت.

سیاست لینی اتحاد شوروی در زمینه کوشش بیکپیک برای حفظ صلح و امنیت بین المللی در راه برقراری روابط مسالمت آمیز میان کشورهای واجد نظامات اجتماعی متفاوت جهان، در این اقدام اتحاد شوروی کاملاً متعکس است. انعقاد دو پیمان سالت ۱ و سالت ۲ و اقدامات دیگر اتحاد شوروی در زمینه استقرار صلح و تفاهم بین المللی، که تشکیل کنفرانس همبستگی - به ابتکار اتحاد شوروی - یکی از نمونه های بارز آنست، تبلوری است انکارناپذیر از همین سیاست لینی، که تاکنون ضمن قسطی حفظ صلح در جهان و عامل بازدارنده ایجاد مناقشات جهانشمول بوده است و از این پس نیز خواهد بود.

انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران که خود گام بزرگی در راه حفظ صلح در منطقه و در جهان است، از هر تلاشی برای حفظ صلح و از هر گامی در راه صلح سود میبرد. از همینجاست که مردم ایران از توافق بر سر «سالت ۲» بین اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا که امید ایستگامهای دیگری را در راه تجدید مسابقه تسلیحاتی، کاهش نیروهای مسلح، خلع سلاح عمومی در نتیجه، حفظ و تحکیم صلح جهانی به سمره داشته باشد، عمیقاً خرسنداند. مردم ایران خرسنداند که چنین سیاست صلحجویانه ای بویژه از جانب همسایه بزرگ ایران، اتحاد شوروی انجام میگیرد. زیرا این سیاست صلحجویانه، همانطور که بارها در گذشته بشبوت رسیده بسود مردم ایران، بسود تحکیم دوستی بین ایران و اتحاد شوروی است.

پرسشها و پاسخها

چه کسانی علیه افغانستان ترقیخواه توطئه و تحریک می کنند؟



خبرگزاری تاس از کابل گزارش داد که حفیظاله امین نخست وزیر و وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان در دیداری با روسای قبایل این کشور گفت: «انقلاب آوریل گذشته افغانستان بدون مساعدت خارجی به پیروزی نائل آمد». وی سپس تأکید ورزید، «ما به کسی اجازه نخواهیم داد که با دستاویزهای مذهبی، درمیان طبقه کارگر افغانستان ناآرامی پدید آورد».

نخست وزیر افغانستان تصریح کرد: «فوادلیسم و بهره کشی در افغانستان ملغی گشته است و ما اجازه نخواهیم داد که دوباره به کشور ما بازگردد».

حفیظاله امین متذکر شد که مردم افغانستان قاطعانه هرگونه اقدامی را که علیه استقلال این کشور بعمل آید، خنثی خواهند کرد. وی سپس به محافل ارتجاعی پاکستان حمله کرد و گفت: «در برابر کوششهای نظام نوین افغانستان در راه استقرار صلح در منطقه، حملات مسلحانه از داخل پاکستان علیه افغانستان دوام دارد».

به گزارش خبرگزاری تاس، رهبر حزب سوسیالیست پاکستان نیز حملات محافل راستگرای این کشور را علیه افغانستان بشدت مورد انتقاد قرار داد. وی در ضمن مصاحبه ای در لاهور اعلام کرد: «رسانه های گروهی پاکستان و بعضی از روزنامه های این کشور در برنامه ها و مقالات خود مطالب خصمانه ای علیه افغانستان انتشار میدهند و در امور داخلی این کشور مداخله میکنند».

مسئول مهاجرت چینیه از جمهوری سوسیالیستی ویتنام کیست؟

مسأله آوارگان ویتنامی و مهاجرت آنها که تنور رسانه های گروهی غرب و مخالفان دنیای سوسیالیسم را داغ کرده است، مدتی است که موضوع بحث و بررسیهای مفرضانه قرار میگردد. سخنگوی وزارت امورخارجه ویتنام در این باره اعلام کرد که این ایالات متحده امریکاست که مسئول مهاجرت صدها هزار ویتنامی از این کشور است. و مسأله مهاجرت میراث اجتناب ناپذیر تهاجم امریکا بپناک ویتنام و حمایت کخ سفید از رژیم دست نشانده سابق خود در ویتنام جنوبی است. سخنگوی ویتنام سپس درباره نقش خائنانه رهبران مائوئیست پکن در این زمینه تأکید ورزید و گفت: «فما لیتهای شرارت آمیز و توسعه طلبانه پکن عامل مؤثر دیگر در مهاجرت یا تصدع و رویتنامی چینی الاصل است و امریالیستهای امریکای انگلیس نیز در این زمینه بارزیم پکن بدستور کرده اند».

دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام، همچنین اعلام کرده که رژیم پکن سر باز، جاسوس و هواپیما به خاک ویتنام اعزام میکند. رادروی ویتنام ضمن اشاره به گفت و گوی این کشور با چین تصریح کرد که سردمداران پکن هنوز به سیاست خصومت آمیز خود علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام ادامه میدهند و دست اندکار ایجاد تشنج در مرز دو کشور و اختلال در روابط فیما بین هستند.

سوموزا در زیر ضربات ساندینیستها

رویتز از نیکاراگوئه گزارش داد که چریکهای جبهه آزادی بخشی ساندینیست کنترل کامل شهر لئون را که دومین شهر بزرگ نیکاراگوئه است پس از چهار روز نبرد شدید بدست گرفتند. بر اساس گزارشهای واصل، سر باز خانه گارد با اصطلاح ملی سوموزا زیر ضربات ساندینیستها سقوط کرد.

وزیر خارجه نیکاراگوئه اعلام کرده که ساندینیستها قصد دارند منطقه ای آزاد در نزدیکی مرز کوستاریکا ایجاد کنند و دولتی انتقالی تشکیل دهند و سپس شناسایی رسمی دولت خود را خواستار شوند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، در محافل دولتی نیکاراگوئه این نظر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که آناستازوسوموزا، کشور را ترک کند تا رفع بحران نیکاراگوئه امکان پذیر شود.

یک مقام عالی رتبه دولتی اعلام کرده که این فکر بیش از پیش قوت میگردد. لکن در میان مقامات دولتی در این مورد اختلاف نظر هایی وجود دارد.

وزیر امور خارجه نیکاراگوئه اخیراً از سازمان کشورهای امریکایی تقاضا کرده که برای خاتمه دادن به بحران نیکاراگوئه وساطت کند. وی حتی اعلام کرده که آماده است بدین منظور به واشنگتن برود. اگر سازمان کشورهای امریکا به وساطت در این امر تن در دهد، نظر امریکا در مورد خروج سوموزا از نیکاراگوئه بعنوان نخستین شرط رفع بحران نیکاراگوئه تأمین خواهد شد.

از طرف دیگر جبهه ساندینیست ضمن صدور اعلامیه ای که رادروی ساندینو آن را پخش کرد و صدای آن در کلمبیا شنیده شده گارد به اصطلاح ملی و همچنین سربازان نیکاراگوئه مهلت ۴۸ ساعته ای داد تا اسلحه خود را بزمین گذارند و تأکید ورزید که در غیر این صورت مسئول عواقب وخیم امتناع از تسلیم خواهند بود.

* درباره مقالاتیکه در روزنامه «مردم» نوشته شده و در رابطه با تحلیلهای حزب ما و اسعد منتشره، دوستان متصددی پرسشهای دربار «تضاد عمده» در جامعه کنونی ما مطرح کرده اند و همچنین بعضی از دوستان ناروشنیهایی در برخی مقالات یافته اند و فکر کرده اند که شاید کتافض گوئیهای شده و مثلاً سد اساسی پیشرفت جامعه را با تضاد اساسی معادل گرفته اند.

تضاد عمده آن تضاد درونی هر روند یا شیء یا پدیده ای است که رابطه بین جنبه ها و گرایشهای اساسی و قطعی تعیین کننده آن شیء یا پدیده را بیان میکند. تا وقتی این تضاد حل نشده باشد، با وجود همه تحولات ممکنه. ماهیت تغییر نکرده و مسائل ناشی از آن بجای خود باقی است. حل تمام تضادهای دیگر آن روند یا پدیده مربوط و منوط است به حل همین تضاد عمده. یعنی تمام تضادهای فرعی و غیر عمده (که وجود دارند و عمل میکنند و هر یک بجای خود دارای اهمیت هستند) فقط باین یا آن جنبه باین یا آن گرایش مربوط میشوند و اگر هم حل شوند در سرشت تمامی شیء و پدیده و در کل آن تغییری نمیدهند، بلکه این یا آن جنبه را تغییر داده و تحول میبخشند. همچون جهت هم صحبت برسی انکار «اهمیت» تضادهای فرعی و غیر عمده یا نادیده گرفتن آنها نیست. صحبت برسی اینست که در هر پدیده و روندی باید تضاد عمده را که سرنویشت تحول آنرا تعیین میکند و بدو جانب اساسی متضاد در آن پدیده و روند ارتباط دارد، پیدا کرد و آنرا مشخص نمود. این امر در مسائل اجتماعی اهمیت درجه اول علمی دارد و تنها یک بحث کتابی و روشنفکرانه نیست.

اگر تضاد عمده را معین و در هر مرحله معین تکامل آن تعیین کنیم. و آنرا از تضادهای غیر عمده (که آنها را هم تمیز میدهیم و در نظر میگیریم) جدا کنیم، آنوقت میتوانیم استراتژی و تاکتیک درستی داشته باشیم و له تیز مبارزه را بسوی دشمن اصلی متوجه کنیم و نیروی خلق را در سمت درست بسیج و تجزین نمائیم، درست را از دشمن، در هر لحظه مشخص و هر جای مشخص، به درستی تمیز دهیم و بنا بر این راه بسوی پیروزی نبرد را هموار کنیم. این تضاد عمده همه جواب و شگون تکامل را تعیین میکند، یعنی تأثیر و عمل آنست که بقیه تضادها را زیر تأثیر خویش میگرد و در چگونگی حل آنها نیز مؤثر واقع میشود.

وقتی ما میکوییم تضاد عمده جامعه ای عبارت است از تضاد بین همه خلقهای میهن ما و امریالیسم و عمالین (انحصارهای بزرگ، سیاست نو استعماری با تمام جنبه های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی آن، سرمایه داری بزرگ و وابسته با تمام شاخه ها و اجزائی که در راس آن تا انقلاب، خانواده منفور در بین تمام سایر تضادهاییکه در لحظه معین در میهن ما غیر عمده هستند، مانند تضاد بین کار و سرمایه، با تمام اهمیت و تاریخ سازی آینده اش، تضاد بین بخشهای مختلف بورژوازی، تضاد بین دهقانان زحمتکش و زمینداران غارتگر و غیره و غیره، آنچه را که تعیین کننده مشی عمومی و اساسی تکامل جامعه میدانیم و حل آنرا برای میهن خود در لحظه کنونی سرنویشت ساز میشموریم، همانا تضاد بین خلق و امریالیسم است. خلق با تمام اقشار و طبقاتیکه در لحظه معین کنونی در طرد

انرا هم در پاسخ بر سرخی دوستان اضافه کنیم که برداشته شدن سد اساسی زمان حکومت محدود رضا، یعنی رژیم پلیسی و غارتگر و فاسد او، بمعنای حل تضاد اساسی نیست. آن سد البته مانع تکامل جامعه بود و انقلاب بزرگ میهن ما این سد بزرگ را از بین برد. ولی دشمن عمده همچنان هست و بیدار و فعال و مکار است و همچین دلیل هر انقلاب را باید نه تنها حفظ کرد و از دستبرد او نجات داد، بلکه به پیش برد و در جهت منافع واراده خلق زحمتکش، تمام اهرمهای امریالیسم و دست نشاندهگان و وابستگان را، که از تضاد واقعی هستند و زاینده واقعی فاشیسم، خرد کرد.

* در پاسخ بیک پرسش کننده

سالت ۲ گامی دیگر در راه صلح، تفاهم و همزیستی مسالمت آمیز

نخستین اجلاس رؤسای جمهوری اتحاد شوروی و امریکادر ساعت ۱۴ وی دقیقه روز شنبه در سفارت امریکا دروین تشکیل شد. جیمی کارتر که در ساعت ۱۴ و پانزده دقیقه به وقت تهران بدین مکان وارد شده بود در آستانه سفارت از لئویدایلچ ب توف استقبال کرد.

کارتر نخستین اجلاس کارکنفرانس سالت ۲ را که عصر روز شنبه تشکیل یافت، «اجلاسی خوب» توصیف کرد. در مدت هشتاد دقیقه ای که بدستارین مذاکره طرفین اختصاص یافت، مروری وسیع در اوضاع جهان بعمل آمد.

مسابقه دست نشاندگی با سلطان قابوس

روزنامه واشنگتن پست در مقاله ای زیر عنوان «یمن شمالی مستشار نظامی امریکائی می خواهد» نوشت که سه ماه پس از تصویب اختصاص کمک نظامی امریکا به یمن شمالی، دولت صنعا از واشنگتن تقاضا می کند که مستشاران عالی رتبه نظامی برای تجدید سازمان نیروهای مسلح یمن شمالی به این کشور اعزام کند.

عبدالله الاسنیج مشاور سیاسی عالی رتبه رئیس جمهوری یمن شمالی در رقابت با سلطان قابوس این نقش خیانکارانه را تکرار می کند که از واشنگتن خواستار اعزام نیروی نظامی به منطقه می شود. اسنیج از امریکا خواست که خود را از «عقده ویتنام» رها سازد و به دفاع از ارزشهای سیاسی ویژه، در ناحیه برخیزد!

اسنیج که تا چندین پیش وزیر امور خارجه یمن شمالی بود، کارتر را به علت کمک تسلیحاتی ۳۹۰ میلیون دلاری وی به این کشور در حین جنگ با جمهوری دموکراتیک خلق یمن ستود.

توسعه طلبی و قبحانه و آشکار اسرائیل

خبرگزاری فرانسه از بیت المقدس گزارش داد که «کمیسرین اسکان سازمان صهیونیستی جهانی و آژانس یهود» روز جمعه در بیت المقدس تصمیم گرفت که کار ایجاد آبادی یهودی نشین دیگری را روز یکشنبه آغاز کند. ایجاد این ناحیه یهودی نشین مکمل اقدام چندماه پیش اسرائیل در زمینه احداث یک مرکز یهودی نشین در سه کیلومتری غرب نابلس، در جاده تولکریم است.

خبرگزاری یونایتد پرس نیز اعلام کرد که بنا به گزارش روزنامه های اسرائیلی، دولت بکین قصد دارد شهرک یهودی نشین دیگری در کرانه غربی رود اردن ایجاد کند و فعالیت ساختمانی آن نیز بزودی شروع خواهد شد. این شهرک میان شهرهای عرب نشین تولکریم و نابلس احداث می شود.

متناخیم بکین نیز آشکارا اعلام کرد که شهرکهای یهودی نشین را در ساحل غربی نوار غزه و ارتفاعات جولان گسترش خواهد داد!

چین، آتش بیار مفرکه خاور میانه

روزنامه کراسنایازوه زدا، ارگان ارتش شوروی نوشت که چین دست اندکار کمک به نقشه ها و توطئه های مشترک امریکای اسرائیل-مصر در خاور میانه است.

ارخان وزارت دفاع شوروی تصریح کرد که چین همچون دست اندکار تحویل یک دسته هواپیمای جنگی به مصر است. این روزنامه سپس نوشت:

«واقعیات این را اثبات می کند که چین به سود مخالفان حقوق مشروع فلسطینیها و سایر ملت های عرب موضع می گیرد و با نیروهایی که مسأله صلح پایدار را در خاور میانه به بن بست می کشاند، در صفتی واحد قرار می گیرد».

از کمکهای رفاقدوستان سپاسگزاریم

سهیلا گه.م. و.ع.	۵۰۰۰	ریال	آزاد-کارگاه دژ
الفد میران از ارومیه	۱۰۰۰	»	کرمانشاه
راندنده تاکسی	۵۰۰۰	»	دهقان-کارگاه دژ
غلامحسین	۱۰۰۰۰	»	کرمانشاه
جواد هاشمی	۱۰۰۰	»	بیدار-کارگاه دژ
جعفر-کارگاه دژ	۵۰۰۰	»	کرمانشاه
کرمانشاه	۱۳۰۰۰	»	صادق-کرمانشاه

که، در نبرد بین دوسوی اصلی تضاد، در کدام سوی سنگر قرار میگیریم؟ حزب توده ایران همه نیروهای خلقی انقلابی و ضد امریالیستی را بوجدت عمل برای حل تضاد اصلی، برای وارد آوردن ضربه قطعی بدشمن امریالیستی و عمالین و کارگزاران اقتصادی و سیاسی اش و گشودن افق وسیع تکامل میهن ما بسوی پیشرفت واقعی، استقلال واقعی و آزادی واقعی فرا میخواند. ما با هر کسی که در این راه می رود همراهی و همگامی میکنیم نه دنباله روی، و این همگامی بمعنای فرصت طلبی هم نیست، بلکه بمعنای شناخت واقعی دشمن و تشخیص درست دوست و لزوم همکاری با همه دوستان علیه دشمن عمده و مشترک است.

دیگر بوده، نمیکاهد. در حال حاضر نتیجه عملی که ما در سیاست و امور تبلیغی و سازمانی خود از این تشخیص تضاد عمده و دشمن عمده میگیریم، همانا عبارتست از لزوم اتحاد عمل همه طبقات و قشرها و نیروهاییکه بواقع ضد امریالیستی (یعنی در شرایط کنونی انقلابی و مترقی) هستند. ملاک انقلابی بودن و مترقی بودن یا ضد انقلابی بودن و مرتجع بودن در همین است.

دیپلماسی مخفی مغایر با خواست مردم و مصالح انقلاب است

شیوه‌ای که دولت در عرصه دیپلماسی اتخاذ کرده، برخلاف انتظار و توقع مردم است. این شیوه با ماهیت انقلاب ایران ناسازگار است. این شیوه پنهانکاری است. دیپلماسی مخفی، بطور عام در راه منافع خلق و مصالح کشور بکار نمی‌رود. و بطور خاص، در مرحله کنونی انقلاب ایران، زیان بخش است. وزارت خارجه دولت وقت یکرشته عملیات انجام داده و می‌دهد، با کشورهای مختلف تماس گرفته و می‌گیرد، راجع به مسائل مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، مالی و فرهنگی و غیره مذاکراتی انجام داده و می‌دهد، ولی مردم - این صاحبان واقعی کشور - کمترین اطلاعی از این عملیات، چگونگی انجام و حتی نتایج حاصل از آنها دریافت نمی‌دارند.

این دیپلماسی مخفی بعد شکست انگیزی مردم را نامحرم می‌داند. مثلا حتی متن قراردادهای اسارتبخش را که لغو شده، منتشر نکرده و مصرا نه انتشار نمی‌دهد تا مردم از میزان خیانت‌های رژیم پهلوی آگاه گردند. مثلا قرارداد سنتو لغو شده، ولی متن این قرارداد شوم و پرتکل سری پیوسته

آن، با اصرار و ابرامی که قابل توجیه نیست، پنهان نگاه داشته شده است. معلوم نیست چرا مردم ایران نباید بدانند که بر کشور و ارتش ایران، بعنوان عضو ستون، چه تعهداتی تحمیل شده بود. چرا مثلا سندی که حق بیماران آرمی منطقه شمالی ایران (از جمله تهران) راجع دولتهای امپریالیست هم پیمان ایران در دستتو میداد، منتشر نشد و منتشر نمی‌شود، تا مردم مبتنی بر سند بدانند که محمد رضا پهلوی، بعنوان مهره گوش بفرمان امپریالیسم درنده امریکا، بی‌کم و کاست حاضر بتبدیل ایران به «زمین سوخته» بوده است.

انقلاب، انقلابی است که مردم ایران برای آن متحمل مصائب و پیکار شده و بیدریغ خون داده‌اند، حکم میکند که تمام قراردادها، بجز دول امپریالیستی انفراد یافته و بدون استثناء بزبان منافع مردم و مصالح کشور بوده ابد انتشار یابند، تا اولاً رژیم و اژگون شده ضد

از اوج قله‌ها

بر صخره‌ها خروشی پلنگان نیز چنگ
بگردها کیبوی شلاق‌های باد...

چاپخانه بتازم

به دره‌ها
در چشمه‌های ژرف بشویم ملال راه،

بگذار

پردهم
تن خونین وزنده را
تا از فراز للهی مغرور بنگرم

صبح دمنده را!

بر زمین آذر مهر
مهرماه ۵۶

تحصن کارکنان گروه صنعتی وساختمانی آکام ادامه دارد

در آن چنین نوشته شده بود: «ما کارگران متحصن شرکت زمینه تا وصول مطالبات خود، محل شرکت را ترک نخواهیم کرد. چهار ماه حقوق معوقه، عیدی و هفت ماه از ایام خارج از مرکز». کارگران پنج کارگاه در این تحصن شرکت دارند.

۸۳۰ نفر از کارکنان گروه صنایع فلزی و بتونی آکام متعلق به احداث لاجوردی سرمایه‌دار معروف که از مدتی پیش دست به تحصن زده اند تا رسیدن به حقوق حقه خود به تحصن ادامه خواهند داد. کارگران پلاکاری آویخته بودند که

مبارزه با گرانی، کاری است حیاتی

فقط با اقدامات اقتصادی پیگیر و بنیادی

میتوان با این هیولامبارزه کرد

اکنون میتوان سؤال کرد، حالا که این رژیم بر اقتصاد و دولت موقت قراردادهای خرید سلاح‌های جنگی را لغو کرده، فروش نفت و منابع آنرا بدست گرفته و اقدامات دیگری از این قبیل بعمل آورده، باز چرا تورم و گرانی نه تنها از میان نرفته، بلکه بر شدت آن افزوده شده است؟ این سؤال است بجا و در پاسخ آن باید گفت:

اولاً، پس از انقلاب نیز نظام سرمایه‌داری با تمام قانونمندیهای آن در ایران حکمفرماست؛ ثانیاً، هنوز دولت موقت موفق نشده است که به بی‌سامانیهای موجود در تولید و توزیع و امور مالی، که از رژیم سابق به ارث برده، پایان دهد؛ ثالثاً، رویدادهای دوران انقلاب و پس از آن، و بخصوص اختلال و خرابکاریهای امپریالیسم و ضد انقلاب، بر شدت این نابسامانیها افزوده است (نبره‌های چپ و رو و چپ نمسا نیز با تحریکات و دسایس خود نقش کمی در این کار داشته‌اند)؛ رابعاً، خود دولت موقت برای مبارزه با تورم و پویا عوامل تشدید کننده آن، نظیر بسیاری مسائل و مشکلات دیگر، نه برنامه مشخص داشته و نه پیگیری و قاطعیت لازم از خود نشان داده است.

حال بمسئولی که در آغاز مطرح کردیم، باز گردیم، برای مبارزه با تورم و گرانی چه باید کرد؟

همانطور که گفتیم، تورم و گرانی از قانونمندیهای نظام سرمایه‌داری است و خصلت عینی دارد. لذا تا زمانی که این قانونمندی عینی عمل نمی‌کند، نه با تهدید و ارهاب و نه با بند و پیام، یعنی بکمک عوامل ذهنی، نمیتوان بجنگ این عامل عینی رفت. برانداختن نهائی تورم، بمثابه یک پدیده اجتماعی خاص جامعه سرمایه داری، فقط با برانداختن نظام سرمایه داری امکان پذیر است، چنانکه این کار در کشورهای سوسیالیستی انجام گرفته است.

و اما باز، چنانکه گفتیم، در جامعه سرمایه‌داری نیز میتوان با اتخاذ بعضی تدابیر اقتصادی و مالی از شدت تورم (نه بروز آن)

گرانی در کشور معضل بزرگی است که توده مردم را زیر فشار سخت قرار داده است. تورم، که گرانی ما بحتاج عمومی از مظاهر آنست، پدیده‌ایست که پیش از همه توده زحمتکش از آن رنج می‌برد. پایان دادن به تورم و گرانی وظیفه بسیار سنگین و دشواری است که اکنون انقلاب در برابر دولت قرارداده است.

برای مبارزه با این پدیده چه باید کرد؟ برای پاسخ به این پرسش باید دید که تورم و گرانی چیست و منشأ آن کدام است؟

تورم پدیده‌ایست که در نتیجه انباشته شدن مجاری گردش کالا از پول بمنزانی بیش از حد لازم برای مبادله کالا بوجود می‌آید. این فزونی باعث کاهش ارزش پول، بالارفتن بهای کالاها و در نتیجه پائین آمدن سطح زندگی زحمتکشانی میگردد، که در آمد ثابت دارند و یا درآمد آنان متناسب با افزایش بهای کالاها و مصرفی بالا نمیرود (در اینجا سایر عوارض اقتصادی تورم مطرح نیست).

تورم پدیده‌ایست عینی و ناشی از قانونمندیهای نظام سرمایه‌داری، با اینجهت گرانی هم، که یکی از مظاهر تورم است، خصلت عینی دارد و نباید آنرا با پدیده گرانی فزونی، که اگر هم محرک آن تورم باشد، ولی بهر حال یک پدیده اخلاقی است، یکسان دانست.

با اینکه تورم پدیده‌ایست عینی، با اینهمه سیاست‌های اقتصادی و مالی دولت‌ها میتواند اثراتی در جهت تشدید و یا تخفیف آن داشته باشد، مثلاً این پدیده قانونمند در نتیجه سیاست‌های ضد مردمی رژیم شاه مخلوع، عوارض مهلک تری در اقتصاد کشور و اثرات فلاتک بارتری در زندگی زحمتکشان ایران داشت، که نتایج آن را اکنون نیز بچشم می‌بینیم.

سیاست‌های اقتصادی و مالی و اجتماعی رژیم، و بخصوص افزایش سرسام آور هزینه‌های نظامی و سایر هزینه‌های زیان بخش و غارت بی‌سابقه ثروت‌های ملی بوسیله انحصارگران خارجی و غارتگران داخلی در سالهای افزایش جهشی درآمد نفت، باعث بحران و دردم ریختگی در تولید و بازرگانی و امور مالی گردید و این امر بنوبه خود بر شدت تورم و گرانی مزمن در ایران افزود.

کلت. در جوامع سرمایه‌داری کوشش میشود که تورم و گرانی بسود سرمایه داران و بزبان زحمتکشان مهار شود و یا در کشورهای امپریالیستی سعی بعمل می‌آید که این کار در زمین حال بحساب کشورهای در حال رشد انجام گیرد. به همین جهت در جهان سرمایه داری میان سرمایه‌داران و زحمتکشان و همچنین میان انحصارها و کشورهای در حال رشد، در این نبردگاه مبارزه دائم وجود دارد.

با استفاده از اهرم‌های اقتصادی و مالی میتوان تورم و گرانی را مهار کرد و حتی با برخی اقدامات که جنبه بنیادی دارد و تا حدودی در نهادهای نظام سرمایه داری دست کاری می‌کند، میتوان از بروز و پایداری کم عوارض مهلک آن جلوگیری بعمل آورد. مبارزه برای مهار کردن و یا محدود کردن تورم و گرانی، بعلت فزینی این پدیده، نمیتواند فقط به عرصه گردش

سازمان ایالتی حزب توده ایران در گیلان خواهان تثبیت بها و کاهش قیمتهاست

سازمان ایالتی حزب توده ایران در گیلان تحت عنوان «نرخها را باید هر چه زودتر کنترل کرده، تراکتی بشرح زیر منتشر کرده است:

نرخها را باید هر چه زودتر کنترل کرد

ماضین تاکید و تأکید این توجه بموقع امام، از دولت میخواهیم که هر چه زودتر، با اعلام برنامه قاطع و درازمدت خود، برای تثبیت نرخها و کاهش قیمت اجناس ضروری و مورد نیاز توده مردم اقدام کند و به این ترتیب گامی در جهت رفاه و خواست زحمتکشان ایران بردارد.

بالارفتن نرخ اجناس مختلف بعد از پیروزی انقلاب، فشار هولناکی است بر زحمتکشان، که بخش بزرگی از آنها هنوز زیبا کنند و هیچگونه درآمد مستمر ندارند. و این از جمله مسائلی بود که امام خمینی در دیدار خود با تجار و

متحد کردن آنان در تعاونی‌های واقعی و یاری به صنایع خصوصی ملی.

عملی کردن اراضی بایر، خانه‌سازی از طرف دولت و کمک به خانه‌سازی از طرف زحمتکشان.

کنترل شدید بازرگانی خارجی، بدست گرفتن انحصار بازرگانی خارجی مربوط به کالاهای مصرفی، خودداری از وارد کردن کالاهای لوکس و غیر ضروری،

کنترل شدید بازرگانی داخلی از راه تضمین خرید مسقیم فرآورده‌های زراعی و دامی از طرف دولت، کوتاه کردن قطعی دست سلف‌خواران، دلال‌ها، واسطه‌ها، رباخواران چه در روستاها و چه در شهر، ایجاد شبکه وسیع فروشگاههای دولتی و تعاونی، واگذاری بخشی از کالاهای مصرفی و وارداتی (که انحصار آن در دست دولت است) و فرآورده‌های کشاورزی و دامی به خرده فروشان، بسته بهای مناسب و تعیین قیمت ثابت، از راه تعیین نرخ سود ثابت و عادلانه و کوشش در متحد کردن آنان؛

ملی کردن بانک‌ها، تغییر جدی در سیاست‌های مالی و پولی در جهت سوق اعتبارات بانکی به امور تولیدی و عمرانی، واگذاری اعتبارات لازم با شرایط مناسب به کشاورزان و اوقاف نیازمند؛

حذف و یا کاهش جدی عوارض گمرکی از کالاهای مصرف عمومی؛ این اقدامات، که بعضی اثرات آتی و برخی نتایج آتی و درازمدت دارند، علاوه بر اینکه میتوانند پیشرفت اقتصاد و افزایش میزان اشتغال و تحول در بازرگانی و امور مالی و پولی را تضمین کنند، شرایط عینی اقتصادی لازم برای مهار کردن تورم و گرانی بوجود آورند. فقط از این راه است که میتوان به مبارزه با تورم و گرانی خصلت قاطع و اثر بخشی لازم داد.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلان هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود. نشانی، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸